

تئاتر پداگوژی در آموزش و پرورش

با تأکید بر تجربه آلمان

حمید قاسم زادگان جهرمی (مدرس هنر)



چکیده

تئاتر پداگوژی را می‌توان به صورت تئاتر تعلیم و تربیت ترجمه کرد، زیرا این اصطلاح هر دو مفهوم تعلیم و تربیت را شامل می‌شود.

تئاتر پداگوژی همچون واسطه‌ای عمل می‌کند تا مفهومی را با هدفی مشخص به مخاطبینی تحت عنوان گروه هدف انتقال دهد. تئاتر پداگوژی از تئاتر به عنوان وسیله‌ای در جهت توسعه اجتماعی استفاده می‌کند.

تئاتر تعلیم و تربیت در ارتباط با مدارس و دبیرستان‌ها یکی از اولین مباحث تئاتر پداگوژی است. در واقع دو اصل مهم در تئاتر پداگوژی، انسان‌ها و برقراری ارتباط بین انسان‌هاست. یکی از تفاوت‌های این نوع تئاتر با تئاتر معمول در این است که تئاتر پداگوژی خارج از منافع مادی یا سیاسی شکل می‌گیرد و دوم اینکه آن‌ها بر پایه دو مفهوم تعلیم و تربیت، گروه‌های هدف را انتخاب کرده، در رشد و کسب رضایت آن‌ها از زندگی تلاش می‌کنند. در کارگاه‌هایی که پداگوژیست‌ها برگزار می‌کنند، تمرکز بر روی تمرین‌های دسته‌جمعی است. آن‌ها افراد را به خلق شخصیت‌های مختلف تشویق می‌کنند تا بتوانند از طریق آن با دیگران وارد کنش و واکنش شوند و در ادامه بتوانند به صورت دسته‌جمعی به فضایی مشترک دست یابند. آن‌ها سعی می‌کنند که افراد بتوانند بدون استفاده از کلام با همدیگر ارتباط برقرار کنند. تئاتر پداگوژی با از بین بردن مرزهای شخصی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی انسانی شکل می‌دهد. در واقع تئاتر پداگوژی با بهره‌گیری از صدا، بدن و احساسات مشترک بشری؛ در پی ایجاد زبانی مشترک بین آدم‌هاست. در این‌گونه تئاتر آموزش نباید فقط از طریق تدریس به روش معمول در مدارس باشد؛ بلکه باید از طریق تجربه آن نیز صورت بگیرد. دانش‌آموزان می‌توانند به صورت گروهی در قالب تئاتر مفاهیم آموزشی را تجربه کنند.

کلیدواژه‌ها: تئاتر پداگوژی، تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، تئاتر در مدارس

مقدمه

کلمه «تئاتر» در اصل ریشه‌ای یونانی دارد و مشتق از واژه «تئاترون» است. «تئا» به معنی تماشا کردن یا محل تماشا و مشاهده است و این به دلیل آن است که در زمان‌های دور تماشاگران در شیب تپه‌ها می‌نشستند و مراسم مذهبی را که با تشریفات خاص در پای همان تپه و اغلب در جوار مقبره مردی مقدس و یا معبد یکی از خدایان بر پا می‌شد، نظاره می‌کردند. تئاتر، هم به مکانی اطلاق می‌شود که در آن این مراسم واقع می‌شود، و هم به فرایندی ارتباطی که از طریق آن به منظوری خاص و در محلی معین واقعه‌ای توسط گروهی بازسازی می‌شود و اندیشه‌ای از این گروه به گروهی دیگر انتقال می‌یابد. تئاتر هم یکی از قدیمی‌ترین و هم یکی از جدیدترین هنر‌هاست. تئاتر وسیله ارتباطی است زنده، مستقیم و رودررو. در هر بار طرح شدن تأثیر می‌گیرد و تأثیر می‌گذارد. حتی می‌تواند وسیله‌ای شود برای تبلیغ و ترویج هر نوع اندیشه و یا طرح هرگونه سؤال. این چهره از تئاتر از زمانی مطرح شد که

اجرای تئاتر دیگر برای تزکیه نفس و پالایش نبود، بلکه به عرصه طرح و شرح دردها و مسائل مختلف اجتماع خویش تبدیل شده بود.

تئاتر پداگوژی^۱

تئاتر پداگوژی یکی از مباحثی است که طی چند سال اخیر سیاست‌های فرهنگی آلمان به صورت گسترده به آن پرداخته است. آنچه اهمیت دارد این است که این میحت به صورت یک رشته دانشگاهی درآمده است. یکی از مراکزی که در کشور آلمان در این رشته متخصص تربیت می‌کند، «انستیتو تئاتر پداگوژی دانشگاه اوسنابروک»^۲ است که در دوره کارشناسی فعالیت دارد.

تئاتر پداگوژی را می‌توان «تئاتر تعلیم و تربیت» ترجمه کرد؛ زیرا این اصطلاح هر دو مفهوم تعلیم و تربیت را شامل می‌شود. ارائه تعریفی مشخص برای این نوع از تئاتر بسی دشوار است. چنان‌که در کشور آلمان نیز تعریفی ثابت و مشخص ندارد. در واقع، می‌توان گفت تئاتر پداگوژی مفهومی سیال دارد. بنابراین، ابتدا مواردی را مطرح می‌کنیم

که شامل این نوع از تئاتر نیستند. نخست اینکه هدف این نوع از تئاتر، نمایش دادن هنر بازیگری یا به روی صحنه بردن یک نمایش نامه نیست، بلکه تئاتر پداگوژی همچون واسطه‌ای عمل می‌کند تا مفهومی را با هدفی مشخص به مخاطبانی با عنوان «گروه هدف» انتقال دهد.

دوم اینکه روان‌درمانی یا «تئاتر درمانی» نیز محسوب نمی‌شود. آنچه در ارتباط با تئاتر پداگوژی است، هم‌جواری دو مفهوم تعلیم و تربیت در آن است. بدین معنا که چگونه می‌توان از طریق حرفه تئاتر آموزش داد. مفاهیم مترادف با آن شامل تئاتر در تحصیلات، تئاتر برای آموزش، بازی‌های نمایشی و تئاتر برای توسعه هستند.

ما قادر به پیدا کردن ریشه این مفهوم نیستیم، اما در بررسی تاریخی این تئاتر می‌توان گفت برای اولین بار خانم ناتالی زایس^۳، یکی از شاگردان کنستانتین استانیسلاوسکی، بحث تئاتر در ارتباط با کودکان و نوجوانان را مطرح کرد. اصطلاح تئاتر پداگوژی از روسیه وارد آلمان شده است. پداگوژیست‌ها

«هم»^۴ آلمان روی کودکانی که هنوز وارد مهدکودک و دبستان نشده‌اند، کار می‌کند تا آن‌ها برای آموزش در دوره‌های بالاتر آماده شوند. سالمندان نیز یکی دیگر از گروه‌های هدف هستند که سن آن‌ها بیش از پنجاه سال است. در آنجا افراد سالمند خاطراتشان را مرور می‌کنند که این در ارتباط با «تئاتر بیوگرافیک» است. در این تئاتر فرد به روایت خاطرات و اتفاقات دوران کودکی‌اش می‌پردازد.

گروه هدف دیگر، معلولان هستند که شامل دو دسته معلولان ذهنی و معلولان جسمی‌اند. گروه دیگر دانشجویان هستند که تئاتر دانشجویی برایشان مطرح می‌شود.

تئاتر تجاری و صنعتی برای پیشرفت اقتصاد در شرکت‌های مختلف اقتصادی شکل می‌گیرد. دیگری تئاتر مهاجران

مایکل چخوف، یوگنی واختانگوف و برتولت برشت از جمله پایه‌گذاران درس تعلیم و تربیت بازیگر هستند. برشت مباحثی را در ارتباط با آموزش و سیاست بررسی و تئاتر آموزشی را مطرح کرد؛ تئاتری که مردم در آن به مشارکت می‌پردازند و بیننده صرف نیستند.

تئاتر پداگوژی از تئاتر به‌عنوان وسیله‌ای در جهت توسعه اجتماعی استفاده می‌کند. برای مثال، در آفریقا از تئاتر برای جلوگیری از آیدز استفاده شده است. در واقع پداگوژیست‌ها تئاتر را به مفهوم روشنگری و ایجاد روشنگری خارج از مسائل سیاسی به کار می‌برند.

تئاتر تعلیم و تربیت در ارتباط با مدارس و دبیرستان‌ها یکی از اولین مباحث تئاتر پداگوژی است. کودکان تا هجده سالگی اولین گروه‌های هدف هستند. برای مثال، «تئاتر هلیوس» در شهر

کودکان را قبل و بعد از دیدن تئاتر بررسی و تأثیرات تئاتر را بر آنان مطالعه می‌کردند. هم‌زمان با تحولات تئاتر در اوایل قرن بیستم، مفاهیم تعلیم و تربیت نیز در این هنر شکل گرفت که در پی آن، تئاتر در زمینه سیاست نیز مطرح شد. در آن زمان گروه‌هایی در اطراف برلین با ایجاد تمریناتی ویژه برای کودکان درصدد بیدار کردن خودآگاهی آن‌ها برمی‌آمدند. در دهه ۱۹۶۰ میلادی کنگره‌های متفاوتی با هدف توسعه فنون و مهارت‌ها از طریق تئاتر در آلمان برگزار شدند.

مبحث دیگری که در زمینه این تئاتر قابل ذکر است، شیوه‌های گوناگون تعلیم و تربیت بازیگر است. تربیت بازیگر شامل تمریناتی است که برای پرورش ابزار بیانی بازیگر ارائه می‌شوند. کسانی همچون کنستانتین استانیسلاوسکی، استلا آدلر،





زبانی مشترک در میان آدم‌هاست. تئاتر پداگوژی دارای حوزه‌های کاری گوناگونی است. برای مثال، در مؤسسات آموزشی به‌صورت درون‌سازمانی و به‌صورت مستقل انجام می‌شود. گروه هدف شامل کودکان، نوجوانان، معلولان و سالمندان می‌شود. پداگوژیست، یک نمایش را با گروه علاقه‌مندان به تئاتر روی صحنه می‌برد. «تی‌پی‌زد»^۵ یکی از مراکز غیردانشگاهی تئاتر پداگوژی است که در شهر «لینگن» قرار دارد. فعالیت‌های گسترده این مرکز شامل برگزاری سمینار، فستیوال و برنامه‌های فرهنگی است. همچنین این مرکز از سال ۱۹۹۰ تاکنون، هر دو سال یکبار در نقاط مختلف جهان و هر چهار سال یکبار در شهر لینگن، فستیوالی برای کودکان برگزار می‌کند. دیگر فستیوالی که این مرکز برگزار می‌کند، «جشن حواس» است که شامل دو بخش تئاتر عروسکی و تئاتر معلولان می‌شود. در این فستیوال شرکت‌کنندگان احساسات درونی خود را از طریق تئاتر بیان می‌کنند.

تئاتر تعلیم‌وتربیت در مدارس

در این قسمت علاوه بر دست‌اندرکاران تئاتر، معلمان نیز می‌توانند از تئاتر پداگوژی استفاده کنند. برای مثال، معلمان تاریخ، زبان و... می‌توانند از طریق تئاتر مباحث آموزشی خود را به دانش‌آموزان ارائه کنند. نکته مهم در این بخش آن است که آموزش نباید فقط از طریق تدریس به روش معمول در مدارس باشد بلکه باید از طریق تجربه آن نیز صورت بگیرد. دانش‌آموزان می‌توانند به‌صورت گروهی در قالب تئاتر

پرورش زیبایی‌شناسی است. او باید از آموخته‌های بازیگری و کارگردانی بهره بگیرد. در ضمن از تأثیر رفتارش بر گروه هدف آگاه باشد. او باید با شناخت کافی از گروه، نحوه برخورد با آن‌ها را مشخص کند و چگونگی رسیدن به هدف را طبق حساسیت‌های گروه برنامه‌ریزی کند تا هم ارتباطی صحیح و انسانی شکل بگیرد و هم گروه، او را با شور و انرژی همراهی کند.

هدف اصلی تئاتر پداگوژی انسان است نه هنر تئاتر

در واقع دو اصل مهم در تئاتر پداگوژی، انسان‌ها و برقراری ارتباط میان انسان‌هاست. یکی از تفاوت‌های این نوع تئاتر با تئاتر معمول این است که تئاتر پداگوژی خارج از منافع مادی یا سیاسی شکل می‌گیرد. به علاوه، بر پایه دو مفهوم تعلیم‌وتربیت، گروه‌های هدف را انتخاب می‌کند و در رشد و کسب رضایت آن‌ها از زندگی می‌کوشد. در کارگاه‌هایی که پداگوژیست‌ها برگزار می‌کنند، تمرکز روی تمرین‌های دسته‌جمعی است. آن‌ها افراد را به خلق شخصیت‌های مختلف تشویق می‌کنند تا بتوانند از این طریق با دیگران وارد کنش و واکنش شوند و در ادامه بتوانند به‌صورت دسته‌جمعی به فضایی مشترک دست یابند. آن‌ها سعی می‌کنند که افراد بتوانند بدون استفاده از کلام با هم ارتباط بگیرند. تئاتر پداگوژی با از بین بردن مرزهای شخصی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباطی انسانی را شکل می‌دهد. در واقع تئاتر پداگوژی با بهره‌گیری از صدا، بدن و احساسات مشترک بشری، در پی ایجاد

است که تئاتر بینافرهنگی محسوب می‌شود. زندانیان نیز یکی دیگر از گروه‌های هدف هستند. تئاتر مذهبی در کلیساها، در جهت بهتر برگزار کردن مراسم مذهبی و جذب جوانان به کلیسا فعالیت می‌کند.

در ارتباط با تئاتر کودکان و نوجوانان طی چهل سال اخیر، مطالعات فراوانی صورت گرفته است. هدف تئاتر کودکان اجرای تئاتر توسط کودکان برای کودکان است، تا بتوانند حساسیت‌های خود را از طریق تئاتر به کودکان دیگر نمایش دهند و احساسات خود را برای هم‌سن‌وسال‌ها و والدینشان بیان کنند. تئاتر عروسکی یکی از شکل‌های بسیار مهم در این حوزه است. در این نوع تئاتر، کودکان به کمک عروسک‌ها به نوعی خودباوری در خلق یک نمایش می‌رسند و توانایی بازی کردن را در خود محک می‌زنند. نکته دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، توسعه خلاقیت و رشد علم زیبایی‌شناسی در کودکان است که سرانجام آن‌ها می‌توانند نوعی دیدگاه زیباشناسانه کسب کنند.

اما در ادامه بحث این سؤال پیش می‌آید که پداگوژیست‌ها و معلمان تئاتر پداگوژی، چه وظایفی بر عهده دارند. تئاتر پداگوژی یک گفت‌وگوی دوجانبه است. پداگوژیست باید گروهی فکر کند. او باید نسبت به گروه و کارگروهش دید انتقادی داشته باشد و با داشتن تسلط کافی، از مشکلاتی که ممکن است در طول تمرین یا اجرا پیش بیاید، آگاه باشد. پداگوژیست‌ها باید توانایی ارائه بازی‌های کودکان را نیز داشته باشد تا بتواند با آن‌ها وارد بازی شود. کار او در زمینه زیبایی‌شناسی و

تأثیر تئاتر پداگوژی در مراکز تئاتری

از سال ۱۹۹۸ به بعد، در آلمان مراکز تئاتری با مدارس در ارتباط مستقیم هستند. دست‌اندرکاران تئاتر پداگوژی به میان کودکان در مدارس می‌روند و موضوعات خود را پیدا می‌کنند و یا اینکه نمایشی را در مدرسه به اجرا درمی‌آورند. این امر باعث نزدیک شدن کودکان به تئاتر می‌شود. علاوه بر این، مراکز تئاتری تئاترهای شهر نیز نمایش‌نامه‌هایی مشخص برای کودکان اجرا می‌کنند. معلمان در مدارس اطلاعات کافی درباره نمایشی که قرار است ببینند، در اختیار کودکان می‌گذارند و غالباً نقش‌های نمایش‌نامه در حال اجرا را با کودکان تمرین می‌کنند. این امر باعث می‌شود که هنگام دیدن نمایش، نوعی کنجکاوی و هیجان در کودکان به وجود آید.

تئاتر پداگوژی در رشد تئاتر نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. از آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که با مقوله‌ای وسیع، مُنعطف و تأثیرگذار روبه‌رو هستیم. امروزه در آلمان این نوع تئاتر با دادن نتایج مثبت، اعتماد مراکز مختلف اجتماعی را به خود جلب کرده است. در واقع، پداگوژیست‌ها درصددند که تئاترشان را به محافل مختلف اجتماعی ببرند و از طریق تئاتر در جهت رشد و پیشرفت جامعه گام بردارند. جامعه نیز به اهمیت و تأثیر پداگوژی پی برده است.

یا کودک در ارتباط با پدر و مادر و... را مطرح می‌کند. هدف اصلی در کار با کودکان رساندن آن‌ها به این مرحله است که خود را بشناسند و بتوانند خود را پرورش دهند و آگاهانه خواسته‌هایشان را در قالب تئاتر بیان کنند. نکته مهم برای پداگوژیست‌ها این است که با کدام گروه از کودکان کار می‌کنند و اینکه آیا آن‌ها تازه‌کارند یا در این زمینه تجربه‌ای داشته‌اند. کودکان بی‌صبرند و می‌خواهند هر چه زودتر کاری که انجام می‌دهند به نتیجه برسد و خود را به معرض نمایش بگذارند؛ در غیر این صورت کار کردن برایشان خسته‌کننده می‌شود.

گروه سنی دیگر در این حوزه نوجوانان هستند که افراد ۱۲ سال به بالا را شامل می‌شود. تئاتر نوجوانان مشکلات شخصی و اجتماعی آن‌ها را بررسی می‌کند؛ با این هدف که آن‌ها خود را در مسیر رشد و تکاملشان یاری کنند. مشکلات در این گروه بیشتر است و موضوعات مهم‌تری وجود دارد. هدف روی صحنه آوردن این مشکلات است تا دیگران نیز از این مشکلات آگاهی یابند. موضوعاتی همچون مسائل جنسی و یا عشق ورزیدن در این گروه سنی اهمیت زیادی دارند. زیرا این موضوع‌ها مسائل فراوانی را زیر پوشش خود قرار می‌دهند. هدف، آگاهی جوانان از مشکلات خود و پیدا کردن علت آن‌ها و بیان کردن آن‌ها از طریق تئاتر است.

مفاهیم آموزشی را تجربه کنند. ندادن نمره و عدم ارزش‌گذاری سبب می‌شود که دانش‌آموزان بدون دلهره در چنین فعالیتی شرکت کنند.

در این زمینه فیلمی با عنوان «ریتیم این است»^۶ با همکاری یک «کرتوگرافر»^۷ (طراح و هماهنگ‌کننده حرکات موزون) و رهبر ارکستر سمفونی فیلارمونیک برلین و با حضور ۲۵۰ دانش‌آموز ساخته شده است. این فیلم که تأثیرات موسیقی و حرکات موزون را بر فرایند رشد دانش‌آموزان نشان می‌دهد، موجب شد که مسئولان آموزش و پرورش به این نتیجه برسند که رشد و یادگیری می‌تواند خارج از قواعد تدریس و حتی مباحث درسی ثبت شده در مدارس اتفاق بیفتد. معلمان و متخصصان علوم تربیتی می‌توانند در مدارس با کودکان تئاتر کار کنند. بعد از ظهرها زمانی مناسب برای این کار است.

این نوع تئاتر در تئاترهای حرفه‌ای نیز اجرا می‌شود. بعد از هر اجرا گفت‌وگو‌هایی میان گروه اجرایی و تماشاگران صورت می‌گیرد و آن‌ها درباره نحوه بهتر شدن اجرا و اینکه تا چه حد تئاتر توانسته است یا می‌تواند بر کودکان مؤثر باشد، به بحث می‌پردازند. مثلاً تئاتر «گریس» در برلین، مستقیماً روی موضوعات شخصی و اجتماعی در ارتباط با کودکان کار می‌کند و موضوعاتی همچون کودک در ارتباط با اجتماع





ضرورت توجه به تئاتر در آموزش و پرورش

باید نقش تئاتر را در آموزش و پرورش جدی گرفت. عمر رسمی تئاتر کودک و نوجوان در ایران، ظاهراً از عمر داستان، شعر، هنرهای تجسمی و سینمای کودک و نوجوان درازتر نیست. فعالیت‌های هنری و ادبی مربوط به کودک و نوجوان به نوعی با تأسیس «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» پیوند خورده است. پیش از آن، ممکن است کوشش‌هایی پراکنده در این عرصه‌ها صورت گرفته باشد، اما به صورت جریانی فعال و فراگیر در جایی به ثبت نرسیده است. در آموزش و پرورش هم اگر فعالیت‌های تئاتری در خوری اتفاق افتاده، بیشتر حاصل حضور دانش‌آموزانی است که در مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کانون‌های تربیتی آموزش و پرورش تئاتر کار می‌کردند و جدا از مراکز یاد شده، سازمان پیشاهنگی نیز در آن سال‌ها، فعالیت‌های تئاتری اعضای خود را در مدارس پوشش می‌داد. واحد نمایش تلویزیون با تشکیل بخش تئاتر کودک و نوجوان آثار قابل توجهی را در تلویزیون و تئاتر شهر به نمایش درمی‌آورد. با این

حال، هیچ‌کدام از موارد مذکور قادر نبودند استعدادهای بالقوه تئاتری را در مدارس کشف کنند و پرورش دهند. با درک این واقعیت، عده‌ای از دوست‌داران تئاتر، مدیریت آموزش و پرورش وقت را وادار کردند به تئاتر مانند یک درس و فعالیتی آموزشی و پرورشی بنگرد و آن را مورد حمایت قرار دهد. از این رو «سازمان مدارس کشور» رسماً تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز کرد. ما هیچ‌گونه کارنامه و گزارشی از این سازمان در اختیار نداریم که بتوانیم به نقد عملکرد آن بپردازیم، اما حضور آن، حتی در حد یک نام برای ما کافی است تا از مسئولان آموزش و پرورش بپرسیم که: در حال حاضر چه نهاد ویژه‌ای در معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، مسئولیت حمایت و سازمان‌دهی فعالیت‌های تئاتری دانش‌آموزان را بر عهده دارد؟ آیا در قالب یک بخش و واحد کوچک و یک کارشناس همه وظایف خود را به سرانجام می‌رساند؟ مسئولان آموزش و پرورش ان‌شاءالله آگاهی دارند که در کشورهای دارای آموزش و پرورش خلاق و پویا، تئاتر نه زنگ تفریح و یک برنامه بین درسی برای پُر کردن اوقات فراغت، که به مثابه

بخشی از فعالیت‌های دانش‌آموزان به رسمیت شناخته می‌شود و برای آن، چارت سازمانی و بودجه‌ای مستقل در نظر می‌گیرند.

تئاتر اگر در یک مجموعه ۱۶-۱۵ میلیون نفری متولی و نهاد اداره‌کننده نداشته باشد، شکوفه‌ای هم اگر بزند، می‌پژمرد و می‌ریزد. ریاضی، علوم، فیزیک، شیمی، انشا و... هر کدام برای خود کتاب، برنامه‌ریزی آموزشی، آموزگار و گروه آموزشی دارد، اما تئاتر، نه تنها متولی و برنامه‌مدون درسی، آموزشی و مربی ندارد، بلکه در مجموعه نظام آموزشی ما اصولاً دیده نمی‌شود و جایگاهی ندارد. این سؤال پیش می‌آید که ناگهان چه اتفاقی افتاد که همه این سازمان‌ها یا تعطیل شدند، یا بخش تئاتر را از مجموعه سازمانی خود حذف کردند یا به حداقل رساندند؟ و از همه نامهربان‌تر به تئاتر، خود آموزش و پرورش است که گویا پرونده آن را به طور کامل بسته است! دوست‌داران و علاقه‌مندان به تئاتر در مدارس، نه تنها از هیچ‌گونه حمایت رسمی و غیررسمی برخوردار نیستند بلکه کوشش‌های خودجوش دانش‌آموزان نیز گاه با بی‌مهری و گاه با مخالفت‌های آشکار و پنهان مدیران،

ناظم‌ها و مسئولان روبه‌رو می‌شود. علت اصلی این بی‌توجهی‌ها پیش از هر چیز، آن است که کارگزاران فرهنگی و برنامه‌ریزان آموزشی در این وزارت‌خانه آگاهی و شناخت درستی از کارکردهای آموزشی و پرورشی ندارند. مشکل اساسی در آموزش مدرسه‌ای در کشور ما، آموزش از بیرون است. آموزش از بیرون، یعنی نادیده گرفتن ظرفیت‌های درونی و بالقوه دانش‌آموز و تحمیل برنامه‌های مشخص، مکتوب، مدون و عمدتاً کهنه از بیرون. دانش‌آموز باید نعل به نعل، مطالبی را که برای او تهیه شده است، به حافظه‌ی خسته‌اش بسپارد و امتحان بدهد و نمره بگیرد! بسیاری از این مفاهیم و مطالب برای دانش‌آموز مفیدند اما روش انتقال و شیوه‌های آموزش و تدریس آن‌ها کارآمد نیستند. بی‌دلیل نیست که دانش‌آموز در مدت زمان کوتاهی، همه یا بخشی از آنچه را فرا گرفته است، از یاد می‌برد و آنچه هم که آموخته و در حافظه‌ی خود اندوخته، تأثیر چندانی در بهبود زندگی روزمره‌اش ندارد. در همین حال، بخشی از مطالب کتاب‌ها هم بزرگ‌سالانه، نصیحت‌گر،

خشک و غیرکاربردی است و در واقع یک گروه ۸۰-۷۰ نفری، سلیقه‌ی خود را، بد یا خوب، به ۱۶ میلیون دانش‌آموز تحمیل می‌کنند. ریشه‌ی این ضعف را پیش از هر عاملی باید در نبود دیالوگ در آموزش و پرورش ایران دید. نه میان معلم و دانش‌آموز دیالوگی وجود دارد و نه میان معلم، برنامه‌ریز و مؤلف کتاب‌های درسی. رابطه‌ی آموزش‌دهنده و آموزش‌پذیر کاملاً یکطرفه و غیردموکراتیک است. دانش‌آموز جز تسلیم شدن به آنچه به او تحمیل می‌شود، راه دیگری ندارد. او موجودی است که باید خوب گوش کند و هر آنچه را که به او آموزش داده می‌شود، طوطی‌وار از حفظ کند و امتحان بدهد. آموزگارانی که سنت‌شکنی می‌کنند و شیوه‌های نوین و خلاق آموزشی را تجربه می‌کنند، بر این گفته گواه‌اند که روش‌های خلاق و دوسویه، بازدهی زیادی هم برای آموزش‌دهنده و آموزش‌پذیر و هم برای خانواده‌ها و جامعه دارند. در نظام‌های آموزشی سنتی، به خلاقیت، تخیل و بن‌مایه‌های درونی دانش‌آموز توجه زیادی نمی‌شود. او از این منظر موجودی است کاملاً

مطیع و در اختیار که باید بی‌چون و چرا به همه‌ی آنچه بزرگ‌ترها برایش تعیین می‌کنند، عمل کند! این نظام آموزشی طبعاً آدم‌هایی یک‌بُعدی، غیرخلاق، مطیع، منفعل و ناکارآمد بار می‌آورد و چنین آدمی نمی‌تواند بین خواننده‌ها و آموزه‌ها و زندگی اجتماعی‌اش ارتباطی درست، منطقی و خلاق برقرار کند. او نمی‌تواند پویا، کارساز و کارآمد باشد. حال آنکه آموزش از درون می‌کوشد استعدادهای درونی و پنهانی کودک را کشف کند و توانای‌های او را با روش‌هایی که متکی به ظرفیت‌های درونی اوست، پرورش دهد. شعر، داستان، تئاتر و هنر، این توانایی را دارند که قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی دانش‌آموز را، هم در عمق و هم در سطح اعتلا و گسترش دهند. / اینستین، پدر علم ریاضی می‌گوید: «تجربه‌ی علمی باید به موازات نیروی تخیل آدمی تکوین یابد. تخیل سرچشمه‌ی تمام آفرینش‌های هنری و منشأ تمامی اکتشافات علمی است.» ژان پیازه، نظریه‌پرداز ریاضی و روان‌شناسی کودک، معتقد است که به‌وسیله‌ی هنر می‌توان مفاهیم و





با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش آموز برای دانش آموزان پایه های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد بزرگسال برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد بزرگسال برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- ♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- ♦ رشد آموزش فن و حرفه ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

آموزه‌های درسی را در ذهن و حافظه عمیق کودک رسوخ داد و ماندگار کرد.

پس بهتر که آموزش را با هنر و تخیل در آمیزیم تا هم از خشکی مفاهیم و مباحث علمی بکاهیم و هم امکان زاینده‌گی و پویایی این مضامین و مفاهیم را فراهم آوریم. در میان هنرها، تئاتر به دلیل زنده بودن و ارتباط رودررو و مستقیمی که با مخاطب برقرار می‌کند، تأثیرگذارتر از دیگر گونه‌های هنری است. در آموزش و پرورش خلاق، تئاتر هم وسیله است و هم هدف. مؤلفان کتاب‌های درسی، برنامه‌ریزان آموزشی، ناظران و مدیران مدارس باید باور کنند که تئاتر:

• امکان و وسیله‌ای است مؤثر برای انسانی کردن محیط اجتماعی؛

• سالم‌ترین و مؤثرترین وسیله است، برای پُر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان؛

• وسیله‌ای است مؤثر و تجربه شده در انتقال مفاهیم درسی و آموزشی و ماندگاری آن در ذهن؛

• فرصت و موقعیتی است مناسب برای تقویت حس اعتماد به نفس کودک و نوجوان؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای پرورش شخصیت اجتماعی دانش‌آموز؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای پرورش حس زیبایی شناسی دانش‌آموز؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای پرورش قدرت بیان، بدن و حافظه؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای بیرون آوردن دانش‌آموز منزوی و خجالتی از لاک انزوا و تنهایی؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای پرورش مهارت‌های شنیدن، دیدن، نقد و تحلیل مسائل؛

• مؤثرترین وسیله برای تمرین گفت‌وگوست؛
• دروازه‌ای است برای ورود به جهان کتاب، اندیشه، موسیقی، شعر، قصه و ... ؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای تمرین خلاقیت، بداهه‌کاری و ساخت و پرداخت موقعیت؛

• وسیله‌ای است برای آماده‌سازی و آشنایی دانش‌آموز با قواعد بازی در صحنه زندگی؛

• وسیله‌ای است مؤثر برای ایجاد تعادل روانی در دانش‌آموز (پسیکودرام یا تئاتر درمانی، اکنون

به‌مثابه یکی از روش‌های رایج و مؤثر در درمان بیماری‌های روحی و روانی در مراکز درمانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد).



دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی

رشد دانش

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۷۷۳۳۳۱۹۲. لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱/۱۶۵۹۵

♦ تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

پیشنهادها و راهکارهای ظرفیت‌سازی

در تئاتر مدارس

ظرفیت‌های زیادی در جامعه وجود دارند که وزارت آموزش و پرورش می‌تواند آن‌ها را در جهت احیا و رشد تئاتر در مدارس جذب کند و به کار بندد. مرکز هنرهای نمایشی، حوزه هنری، شهرداری‌ها، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دانشگاه‌ها و دانشکده‌های تئاتری، بارها آمادگی خود را برای همکاری با وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده‌اند، در زمینه احیای تئاتر در مدارس و سامان بخشیدن به آن‌ها پیشنهاد می‌شود که شش بستر برای فعالیت تئاتری فراهم آید:

۱. چاپ نمایش‌نامه و مباحث تئاتری در کتاب‌های درسی
۲. اختصاص بخشی از زنگ هنر به موضوع تئاتر و فعالیت‌های تئاتری
۳. اختصاص بخشی از فعالیت‌های فوق برنامه به تئاتر
۴. بهره‌مندی از امکانات تئاتری بیرون از مدرسه
۵. بازسازی و فعال کردن سالن‌های موجود در مدارس

۶. اجباری کردن ساخت سالن‌های نمایش در برنامه‌های سازمان عمران و نوسازی مدارس. آنچه می‌تواند پیوستن مراکز آموزشی کل کشور را به توسعه تئاتر مدارس شتاب بخشد، دروس تربیتی و همچنین تخصصی هنرهای نمایشی در دانشگاه فرهنگیان جهت دانشجویان یک ضرورت ملی است.

پی‌نوشت‌ها

1. Pedagogy Theater
2. Osnabrueck
3. Natalie Zayas
4. Hamm
5. Theater Pädagogisches Zentrum (TPZ)
6. Rhythm is it
7. Coreographer

منابع

۱. پریستلی، جان بینتون؛ دنیای شگفت‌انگیز تئاتر، ترجمه فرح خواجه‌نوری، نشر اندیشه، (۱۳۶۹).
۲. توشار، بیرامه؛ تئاتر و اضطراب بشر، ترجمه افضل وثوقی، انتشارات سروش، ۱۳۵۴.
۳. شهریاری، خسرو؛ کتاب نمایش، جلد اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۴. کیندرمن، هاینس؛ تاریخ تئاتر اروپا، ترجمه سعید فرهودی، مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۵.